

(م. ۸۴۵ق.)، به کوشش خلیل المنصور، بیروت،  
دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۸ق.

علی احمدی میرآقا



### آل قتاده: از سادات حسنی حاکم بر مکه (حک: ۶۱۶-۷۰۱ق.)

این خاندان از نسل ابوعزیز قتاده بن  
ادریس\* بن مطاعن حسنی، ملقب به نابغه، و از  
طبقه چهارم اشراف حاکم بر مکه هستند. آل  
قتاده در حجاز به تدریج به تیره‌های گوناگون  
تقسیم شدند و به نام‌های مختلف شهرت  
یافتند.<sup>۲</sup> حکمرانی این خاندان با سال‌های  
پایانی خلافت عباسیان در عراق، دولت ایوبیان  
در مصر و شام، و دولت مماليک همزمان بود.  
قتاده، سرسلسله این خاندان، در قریه علقمیه در  
یَمَع از مادری که از اشراف هواشم (سادات  
حسنی حاکم بر مکه) بود، زاده شد.<sup>۳</sup>

قتاده پس از همراه کردن خویشان خود، با  
تیره‌هایی از سادات حسنی حاکم بر ینع مبارزه  
کرد و پس از اخراج آنان، بنی‌یحیی را نیز از  
وادی صفراء در مسافت ۵۱ کیلومتری مدینه در

عادل، مدیر، شجاع، و دارای حشمت و وقار  
خوانده‌اند.<sup>۱</sup> نسل او به آل برکات\* مشهورند  
که شماری از آنان از امیران مکه بودند.

### منابع

الاعلام: الزرکلی (م. ۱۳۹۶ق.)، بیروت، دار العلم  
للملایین، ۱۹۹۷م؛ افاده الانام: عبدالله بن محمد  
الغازی (م. ۱۳۶۵ق.)، به کوشش ابن دهیش،  
مکه، مکتبه الاسدی، ۱۴۳۰ق؛ انباء الغمر بأنباء  
العمر فی التاریخ: ابن حجر العسقلانی  
(م. ۸۵۲ق.)، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۰۶ق؛  
تاریخ مکه (تحاف فضلاء الزمن): محمد بن علی  
الطبری (م. ۱۱۷۳ق.)، به کوشش محسن محمد،  
قاهره، دار الکتب الجامعی؛ خلاصة الکلام فی  
بیان امراء البلد الحرام: احمد بن زینی دحلان  
(م. ۱۳۰۴ق.)، مصر، المطبعة الخیریه، ۱۳۰۵ق؛  
الدرر الغرائد: عبدالقادر الجزیری (م. ۹۷۷ق.)، به  
کوشش محمد حسن اسماعیلی، بیروت، دار  
الکتب العلمیه، ۱۴۲۲ق؛ سمط النجوم العوالی:  
عبدالملک بن حسین العصامی (م. ۱۱۱۱ق.)،  
قاهره، المکتبه السلفیه؛ شذرات الذهب:  
عبدالحی بن العماد الحنبلی (م. ۱۰۸۹ق.)، به  
کوشش الارنؤوط، بیروت، دار ابن کثیر، ۱۴۰۶ق؛  
شفاء الغرام: محمد الفأسی (م. ۸۳۲ق.)، بیروت،  
دار الکتب العلمیه؛ الضوء اللامع: شمس الدین  
السخاوی (م. ۹۰۲ق.)، قاهره، دار الکتب  
الاسلامی؛ العقد الثمین: محمد الفأسی  
(م. ۸۳۲ق.)، بیروت، الرساله، ۱۴۰۳ق؛ عمدة  
الطالب: ابن عنیه (م. ۸۲۸ق.)، به کوشش محمد  
حسن، نجف، المکتبه الحیدریه، ۱۳۸۰ق؛ المعالم  
الاثیره: محمد محمد حسن شراب، بیروت، دار  
القلم، ۱۴۱۱ق؛ المواعظ والاعتبار: المقریزی

۲. شفاء الغرام، ج ۲، ص ۳۴۰-۳۵۹؛ تحفة الازهار، ج ۱، ص ۴۴۲؛

الاصیلی، ص ۱۰۵.

۳. تاریخ ابن خلدون، ج ۴، ص ۱۳۴-۱۳۵؛ تحفة الازهار، ج ۱،

ص ۴۴۲.

۱. خلاصة الکلام، ص ۴۰-۴۳؛ الاعلام، ج ۲، ص ۴۹.

راه بدر<sup>۱</sup> اخراج کرد و دیگران را فرمانبر خویش ساخت.<sup>۲</sup> او در سال ۵۹۷ق. با آگاهی از ظلم هواشم<sup>۳</sup> مکه<sup>۴</sup> بدان جا حمله کرد و با اخراج شریف مکثر بن عیسی، حاکم مکه، و کشتن فرزندش محمد، حکومت مکه را در دست گرفت.<sup>۵</sup> وی به رغم ناکامی در تصرف مدینه<sup>۶</sup> بر برخی از نواحی اطراف آن و نیز طائف، نجد و بعضی از نواحی یمن چیره شد.<sup>۷</sup> او سرانجام در ذی حجه سال ۶۱۷ق. در ۹۰ سالگی از دنیا رفت<sup>۸</sup> و به نقلی به دست فرزندش حسن کشته شد.<sup>۹</sup>

در منابع، گزارش‌های فراوان از فرزندان قتاده آمده است.<sup>۱۰</sup> راجح، حسن، علی اکبر، علی اصغر، محمد، قاسم، حسان، حنظله و ادريس<sup>۱۱</sup> از فرزندان او هستند که برخی از

آنان به حکمرانی مکه رسیدند.

#### ◀ حاکمان مکه از فرزندان قتاده

۱. **شهاب الدین<sup>۱۲</sup> حسن بن قتاده** (حک: ۶۱۷-۶۱۹ق.): وی ادیب و شاعر بود و طبعی تند داشت.<sup>۱۳</sup> حسن از سال ۶۱۷ق. به مدت سه سال حکمران مکه بود. در گزارشی، به سال ۶۱۸ق. وی با توطئه برادرش راجح و آقباش، امیرالحاج خلیفه عباسی الناصر لدین‌الله، روبه‌رو شد. او با آگاهی از این اتحاد، دستور داد تا راه‌های ورودی مکه را بر روی حج گزاران عراقی بسته، به آنان حمله کنند. در این درگیری، آقباش که بر فراز کوه حبشی رفته بود، کشته شد و راجح نیز به یمن گریخت. مدتی بعد او از خلیفه عباسی عذرخواهی کرد و خلیفه هم پذیرفت.<sup>۱۴</sup>

در پی حمله ملک مسعود، حاکم یمن، به مکه در سال ۶۱۸ق. حسن به سبب بدرفتاری با اشراف و حجاج، از حمایت آنان بی‌نصیب ماند و پس از شکست به شام گریخت. چندی بعد به سال ۶۲۳ق. در عراق وفات یافت و در کنار حرم کاظمین<sup>۱۵</sup> دفن شد.<sup>۱۶</sup>

از خدمات او در مکه، بازگرداندن

۱. المعالم الاثيرة، ص ۱۵۹.
۲. تاریخ ابن خلدون، ج ۴، ص ۱۳۶؛ العقد الثمین، ج ۷، ص ۴۰؛ تاریخ مکه، ص ۲۸۵.
۳. العقد الثمین، ج ۷، ص ۴۰؛ تحفة الازهار، ج ۱، ص ۴۴۲.
۴. عمدة الطالب، ص ۱۲۸؛ الاشراف، ج ۱، ص ۴۷؛ غایة المرام، ج ۱، ص ۵۴۴.
۵. الکامل، ج ۱۵، ص ۲۰۵؛ تاریخ امراء مکه، ص ۴۶۸.
۶. تاریخ ابن خلدون، ج ۴، ص ۱۳۶؛ العقد الثمین، ج ۱، ص ۱۷۳؛ تحصیل المرام، ج ۲، ص ۷۴۲.
۷. الکامل، ج ۱۲، ص ۴۰۱؛ العقد الثمین، ج ۷، ص ۶۰.
۸. الکامل، ج ۱۲، ص ۴۰۲؛ العقد الثمین، ج ۴، ص ۱۷۱؛ اتحاف الوری، ج ۳، ص ۲۷.
۹. الاصلی، ص ۱۰۵؛ عمدة الطالب، ص ۱۴۲.
۱۰. طرفة الاصحاح، ص ۱۰۶؛ الاصلی، ص ۱۰۵؛ عمدة الطالب، ص ۱۴۲.

۱۱. غایة المرام، ج ۱، ص ۵۸۰.
۱۲. تاریخ مکه، ص ۲۹۰.
۱۳. شفاء الغرام، ج ۲، ص ۳۴۰-۳۴۱؛ اتحاف الوری، ج ۳، ص ۳۰.
۱۴. ۳۲. منائح الکرم، ج ۲، ص ۲۸۷-۲۸۸.
۱۵. الکامل، ج ۱۲، ص ۴۱۳؛ العقد الثمین، ج ۷، ص ۴۹۳؛ الاشراف، ج ۱، ص ۶۳-۶۴.

کاروانسرای خرازین به فقرای مکه بود.<sup>۱</sup> جماز، از فرزندان او، در سال ۶۵۱ ق. با سپاهی بزرگ از شامیان به مکه یورش برد و پس از کشتن عموزاده اش ابوسعید حسن بن علی اکبر<sup>۲</sup> چند ماه امیر مکه شد. اما در همین سال، در پی شکست از سپاه راجح بن قتاده، کنار رفت.<sup>۳</sup> خاندان حسن که به اشراف ذوهجار مشهورند، تا سده ۱۴ ق. بر یببع حکومت کردند.<sup>۴</sup>

۲۷. راجح بن قتاده (حک: ۶۲۰-۶۵۳ ق.): وی بزرگ‌ترین فرزند قتاده بود که در زمان حکمرانی پدر، از سوی او به دربار خلیفه عباسی مأمور شد.<sup>۵</sup> وی بلند قد، تنومند و نیرومند بود.<sup>۶</sup> او در پی شکست از برادرش حسن و کشته شدن هم‌پیمانانش آقباش<sup>۷</sup> به ملک مسعود، حاکم یمن، پناه برد<sup>۸</sup> و او را بر ضد برادر خود تحریک کرد. ملک مسعود در سال ۶۱۹/۶۲۰ ق. با سپاهی به مکه هجوم برد. حسن پس از اندکی مقاومت گریخت و سپاه یمن پس از اشغال مکه، اموال و حتی

لباس‌های مردم را غارت کرد.<sup>۹</sup> از آن پس راجح و حاکم یمن به اشتراک بر مکه حکومت کردند. همین امر تا مدت‌ها زمینه رقابت میان حاکمان یمن و مصر برای تسلط بر مکه را فراهم کرد. هرگاه یمنی‌ها حاکم می‌شدند، راجح نیز در کنار آنان حکمرانی می‌کرد.<sup>۱۰</sup> او در سال ۶۵۱ ق. پس از کنار زدن جماز بن حسن توانست برای آخرین بار و به صورت مستقل بر مکه حاکم شود.<sup>۱۱</sup> پس از یک سال، وی به دست فرزندش، غانم بن راجح، از حکمرانی مکه برکنار شد و در سال ۶۵۴ ق. پس از عمری طولانی وفات یافت. برای او نسل مشخصی بر جای نمانده است.<sup>۱۲</sup>

۳۷. ادريس بن قتاده (۶۵۳-۶۷۰ ق.): وی ۱۷ سال بر مکه حکم راند. او و محمد ابونمی اول در سال ۶۵۲ ق. با شورش بر غانم بن راجح، حکمرانی مکه را از وی گرفتند.<sup>۱۳</sup> در بیشتر دوران حکومتش با ابونمی، نوه برادرش، شراکت داشت.<sup>۱۴</sup> از فرزندانش محمد بن ادريس مدتی کوتاه از جانب حاکم مصر به حکمرانی مکه رسید.<sup>۱۵</sup>

۱. العقد الثمین، ج ۴، ۱۷۴؛ غایة المرام، ج ۱، ص ۵۸۸.
۲. شفاء الغرام، ج ۲، ص ۳۴۴.
۳. غایة المرام، ج ۱، ص ۶۳۸؛ تاریخ امراء مکه، ص ۵۱۳.
۴. تاریخ ابن خلدون، ج ۴، ص ۱۳۶؛ الاشراف، ج ۱، ص ۶۰.
۵. البدایة والنهایة، ج ۱۳، ص ۹۲؛ تاریخ مکه، ص ۲۸۵.
۶. خلاصة الکلام، ص ۲۷.
۷. انتحاف الوری، ج ۳، ص ۳۰.
۸. تاریخ مکه، ص ۲۹۱.

۹. انتحاف الوری، ج ۳، ص ۳۴؛ تاریخ مکه، ص ۲۹۱.
۱۰. العقد الثمین، ج ۱، ص ۱۷۴؛ انتحاف الوری، ج ۳، ص ۳۴.
۱۱. تاریخ مکه، ص ۳۰۱.
۱۲. الاشراف، ج ۱، ص ۷۳-۷۵.
۱۳. شفاء الغرام، ج ۲، ص ۳۴۴.
۱۴. العقد الثمین، ج ۱، ص ۱۷۶؛ غایة المرام، ج ۱، ص ۶۴۰.
۱۵. تحفة الازهار، ج ۱، ص ۴۵۰.

▼ ۴. علی اکبر: او خود بر مکه حکمرانی نیافت؛ اما فرزندان او تا سده ۱۴ق. به تناوب و با نام خاندان‌های دیگر همچون آل ابی نمى\*، آل برکات\*، آل زید\* و آل عبدالله، امیران مکه بودند. نخستین فرزندش ابوسعید حسن بن علی (حک: ۶۴۷-۶۵۱ق.) بود که ۴ سال بر مکه و ینع حکومت کرد. او با حمله جمّاز بن حسن بن قتاده همراه لشکر شام در سال ۶۵۱ق. کشته شد. وی را به فضایل اخلاقی ستوده‌اند.<sup>۱</sup> پس از ابوسعید، نخست فرزندش جمّاز بن حسن بن علی مدتی بر مکه حکمرانی یافت<sup>۲</sup> و پس از او فرزند دیگرش محمد، معروف به ابونمی اول، امیر مکه شد.

درباره مذهب آل قتاده به درستی نمی‌توان داوری کرد. نیز عملکرد قتاده و فرزندانش در برابر مذاهب مختلف یکسان نبوده است. او به امام زیدیان، عبدالله بن حمزه (م. ۶۱۴ق.) بسیار گرایش داشت و حتی برایش از قبایل حجازی بیعت گرفت و با فرستادن نامه‌ای به وی، سوگند یاد کرد که بر اطاعتش بماند. همو نماینده امام زیدیان یمن را مأمور اخذ بیعت و اقامه نماز در مسجدالحرام گرداند.<sup>۳</sup> بر پایه مذهب زیدیه\*، همچون امامیه، اعلان «حیّ

علی خیر العمل» را در اذان رسمی کرد.<sup>۴</sup> از این رو، زیدی بودن قتاده و برخی فرزندانش بر بسیاری از مورخان پنهان نمانده است.<sup>۵</sup> با این حال، وی گاه به نام خلیفه عباسی و ایوبیان نیز خطبه می‌خواند.<sup>۶</sup> البته هیچ‌گاه به دیدن خلیفه عباسی نرفت. در گزارش‌ها آمده که خود را از خلیفه عباسی، الناصر لدین الله، به خلافت شایسته‌تر می‌دانست.<sup>۷</sup> برخی معتقدند شرفای مکه تا اوایل سده پانزدهم م. پیوند خود را با ائمه زیدیه حفظ کردند؛ ولی از آن پس آرام آرام به مذهب شافعی روی آوردند.<sup>۸</sup> گفتنی است که از زمان نفوذ دولت فاطمیان مصر در مکه، نفوذ تشیع در مکه آغاز شده بود و تا بر کار آمدن دولت سعودی، سنت‌های شیعیان در مکه ادامه یافت.<sup>۹</sup>

### ◀ منابع

اتحاف الوری باخبار ام القرى: عمر بن فهد (م. ۸۵۵ق.)، به کوشش شلتوت، جده، مکتبه

۴. تاریخ الاسلام، ج ۴۴، ص ۳۶۰.
۵. تاریخ الاسلام، ج ۴۴، ص ۳۶۰؛ تاریخ ابن خلدون، ج ۴، ص ۱۳۶؛ غایة المرام، ج ۱، ص ۵۷۷.
۶. تاریخ ابن خلدون، ج ۴، ص ۱۳۵؛ العقد الثمین، ج ۷، ص ۵۳؛ تاریخ مکه، ص ۲۸۵.
۷. تاریخ الاسلام، ج ۴۴، ص ۳۶۰؛ البدایة والنهایه، ج ۱۳، ص ۹۲؛ الاعلام، ج ۵، ص ۱۸۹.
۸. میقات حج، ش ۲۲، ص ۶۸، «تاریخ تشیع در مکه و مدینه، جبل عامل، حلب».
۹. تاریخ مکه، ص ۳۷۴.

۱. تحفة الازهار، ج ۱، ص ۴۵۱؛ الاشراف علی تاریخ الاشراف، ج ۱، ص ۶۶-۶۸.
۲. تحفة الازهار، ج ۱، ص ۴۵۴.
۳. السیره المنصوریه، ص ۷۶-۷۸.

محمد حسن، نجف، المكتبة الحيدريه، ۱۳۸۰ق؛ غاية المرام باخبار سلطنة البلد الحرام: عبدالعزيز بن فهد المكي (م. ۹۲۰ق.)، به كوشش شلتوت، جده، دار مدني، ۱۴۰۶ق؛ الكامل في التاريخ: ابن اثير على بن محمد الجزري (م. ۶۳۰ق.)، بيروت، دار صادر، ۱۳۸۵ق؛ المعالم الاثيرة: محمد محمد حسن شراب، بيروت، دار القلم، ۱۴۱۱ق؛ منائح الكرم في اخبار مکه: علي بن تاج الدين السنجاري (م. ۱۱۲۵ق.)، مکه، جامعة ام القرى، ۱۴۱۹ق؛ ميقات حج (فصلنامه): تهران، حوزه نمايندگي ولي فقيه در امور حج و زيارت.

حسن اسکندري



## آل کازروني ← کازروني، خاندان

## آل منصور ← منصور، خاندان

## آل مهنا: از علويان حاکم بر مدينه (حک):

(۴۰۱-۵۸۳ق.)

این خاندان در زمره اشراف حسيني، از نسل ابوعمار حمزة مهنّا الأكبر بن داود بن قاسم (م. ۴۰۸ق.) بودند که نسبشان به امام زين العابدين (ع) می رسيد.<sup>۱</sup> آنان حدود یک سده حکمران محلي مدينه بودند. بنو قُلَيْتَه\*، هواشميه و جَمَازَه (بنو جَمَاز\*)<sup>۲</sup> از زیرشاخه های آل مهنا

المدني؛ الاشراف على تاريخ الاشراف: عاتق بن غيث البلادي، بيروت، دار النفائس، ۱۴۲۳ق؛ الاصيلي في انساب الطالبين: محمد بن تاج الدين المعروف بابن الطقطقي (م. ۷۰۹ق.)، به كوشش الرجائي، قم، مكتبة النجفي، ۱۴۱۸ق؛ الاعلام: الزركلي (م. ۱۳۹۶ق.)، بيروت، دار العلم للملايين، ۱۹۹۷م؛ البداية والنهاية: ابن كثير (م. ۷۷۴ق.)، بيروت، مكتبة المعارف، تاريخ ابن خلدون: ابن خلدون (م. ۸۰۸ق.)، به كوشش خليل شحاده، بيروت، دار الفكر، ۱۴۰۸ق؛ تاريخ الاسلام و فيات المشاهير: الذهبي (م. ۷۴۸ق.)، به كوشش عمر عبدالسلام، بيروت، دار الكتاب العربي، ۱۴۱۰ق؛ تاريخ امراء مكة المكرمة: عارف عبدالغني، دمشق، دار البشائر، ۱۴۱۳ق؛ تاريخ مکه از آغاز تا پايان دولت شرفاي مکه: احمد السباعي (م. ۱۴۰۴ق.)، ترجمه: جعفریان، تهران، مشعر، ۱۳۸۵ش؛ تحصيل المرام: محمد بن احمد الصباغ (م. ۱۳۲۱ق.)، به كوشش ابن دهيش، مکه، ۱۴۲۴ق؛ تحفة الازهار و زلال الانهار: ضامن بن شدقم الحسيني (م. ۱۰۹۰ق.)، به كوشش الجبوري، تهران، ميراث، ۱۴۲۰ق؛ خلاصة الكلام في بيان امراء البلد الحرام: احمد زيني دحلان (م. ۱۳۰۴ق.)، مصر، مطبعة الخيرية، ۱۳۰۵ق؛ السيرة المنصورية: ابن دعثم (م. قرن ۷)، به كوشش عبدالغني، بيروت، دار الفكر، ۱۴۱۴ق؛ شفاء الغرام: محمد الفاسي (م. ۸۳۲ق.)، به كوشش مصطفى محمد، مکه، النهضة الحديثة، ۱۹۹۹م؛ طرفة الاصحاب في معرفة الانساب: عمر بن يوسف بن رسول (م. ۶۹۶ق.)، به كوشش ك. وسترسين، بيروت، دار صادر، ۱۴۱۲ق؛ العقد الثمين في تاريخ البلد الامين: محمد الفاسي (م. ۸۳۲ق.)، به كوشش فؤاد سير، مصر، الرساله، ۱۴۰۶ق؛ عمدة الطالب: ابن عنبه (م. ۸۲۸ق.)، به كوشش

۱. الدرر الكامنه، ج ۲، ص ۸۸: تحفة الازهار، ج ۲، ص ۲۱۲.

۲. عمدة الطالب، ص ۱۳۷، ۳۳۷-۳۳۸، «پاورقی».